



کتابخانه محله؛

# نظام آباد

---

سمیه صمدی - احمد تقی زاده

---

## کتاب محله: نظام آباد

پدیدآورندگان: سمیه صمدی، احمد تقی زاده  
سفارش دهنده: سازمان نوسازی شهر تهران،  
معاونت برنامه ریزی و توسعه شهری، اداره پژوهش  
ناظران: مریم احمدی، مونا محمدزاده  
ویراستار: مونا محمدزاده  
طراح جلد: خسرو اشتری  
صفحه آرا: بنفشه علی عباسی،  
حمیدرضا یزدان فرحی  
طراح گرافیک: مهدی لشگری  
همکاران سازمان: علی خانی، صفیه طیبی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چاپ اول / بهار ۱۴۰۱  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
قیمت: ۵۵۰/۰۰۰ ریال  
چاپ و صحافی: همشهری

|                     |                                                                                                                                                                        |
|---------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | صمدی، سمیه، ۱۳۶۷ -                                                                                                                                                     |
| عنوان نام پدیدآور   | کتاب محله: نظام آباد/پدیدآورندگان سمیه صمدی، احمد تقی زاده؛ سفارش دهنده سازمان نوسازی شهر تهران، معاونت برنامه ریزی و توسعه شهری، اداره پژوهش؛ ویراستار مونا محمدزاده. |
| مشخصات نشر          | تهران: همشهری، ۱۴۰۰.                                                                                                                                                   |
| مشخصات ظاهری        | ۱۴۰ - ۳۳۱ - ۹۶۳ - ۹۷۸                                                                                                                                                  |
| شلیک                | مجموعه - ایران - تهران                                                                                                                                                 |
| موضوع               | Neighborhoods -- Iran -- Tehran<br>نظام آباد (تهران)<br>Nezamabad (Tehran, Iran)                                                                                       |
| موضوع               | تقی زاده، احمد، ۱۳۶۹ -<br>محمدزاده، مونا، ۱۳۵۹ -؛ ویراستار<br>سازمان نوسازی شهر تهران. معاونت برنامه ریزی و توسعه<br>شهری. اداره پژوهش                                 |
| شناسه افزوده        | DSRT۰۷۹                                                                                                                                                                |
| شناسه افزوده        | ۹۵۵/۱۲۲                                                                                                                                                                |
| شناسه افزوده        | ۸۷۴۹۰۲۷                                                                                                                                                                |
| رده بندی کنگره      |                                                                                                                                                                        |
| رده بندی دیویی      |                                                                                                                                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی |                                                                                                                                                                        |

مسئول فروش: حمیدرضا یزدان فرحی

تلفن: ۲۳۰۲۳۲۷۳

فروش اینترنتی:

[www.hamshahrimarket.com](http://www.hamshahrimarket.com)

تلفن: ۲۳۰۲۳۲۷۵

ریاست  
همشهری



hamshahripub  
hamshahripub@gmail.com

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به  
پارکوی کوچه‌ی تورچ شماره‌ی ۱۴ طبقه‌ی چهارم شرقی  
تلفن: ۲۳۰۲۳۲۷۳، دورنگار: ۲۳۰۲۳۲۹۸



محلّه به عنوان کوچک‌ترین سطح نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، نقشی اساسی و بنیادین در فرآیند توسعه پایدار شهری را دارا است. این حوزه‌های فضایی در حقیقت بلوک‌های سازنده سیستم و ساختار فضایی شهر هستند. مقوله هویت و نداشتن تعلق مکانی یکی از مهم‌ترین مسایل و چالش‌های شهر، معماری و شهرسازی معاصر ایران به شمار می‌آید. شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از ارزش‌های انسانی و هویت‌های محلی و ملی است که به یک مکان معنا می‌بخشد و آن را تبدیل به محلّه و شهر می‌کند. ثبت خاطرات، روایات و بازنمایی اندرونی‌های محلّه‌های کهن از جمله محلات شهر تهران، می‌تواند سبب بازیابی بازشناسی بخشی از هویت محلّه شود.

سازمان نوسازی شهر تهران در راستای مأموریت‌های خود و با اتخاذ رویکرد توسعه محلّه‌ای در نوسازی بافت فرسوده و ناکارآمد شهر تهران به عنوان رهیافتی کل‌نگر و جامع و هم‌چنین با تأکید بر حفظ و احیای روابط و سرمایه‌های اجتماعی محلات به عنوان نیروی پیشران فرآیند نوسازی، تهیه و تدوین مجموعه کتاب‌های محلّه را در دستور کار خود قرار داده است. مجموعه کتاب‌های محلّه به مثابه شناسنامه محلات، با هدف معرفی تاریخچه محلات، رویدادهای مهم و اشخاص تأثیرگذار یک محلّه و انعکاس بخشی از دارایی‌های اجتماعی آن است که به زبانی ساده، شیوا و قابل استفاده برای تمام شهروندان با همکاری دفاتر توسعه محلّه تدوین شده است. آنانی که بی‌واسطه با ساکنان محلات در ارتباط بوده و از پیشینه و تاریخ محلات، شرایط اقتصادی، اجتماعی و کالبدی آن‌ها آگاهی دارند.

امید است این مجموعه بتواند با بهبود حس تعلق ساکنان و فراهم ساختن بسترو شرایط مشارکت هرچه بیشتر آنان، فرآیند توسعه محلات را تسهیل کند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از شرکت مهندسین مشاور تيام شار پژوه و نویسندگان کتاب برای تلاش در تهیه و هم‌چنین از همکاران خود در اداره پژوهش، برای راهبری، ارزیابی و تنظیم این مجموعه تشکر و قدردانی کنم.

## فهرست

|     |                                        |
|-----|----------------------------------------|
| ۸   | سخن نخست                               |
| ۱۱  | فصل اول: بیرون دروازه                  |
| ۱۶  | رد پوتین ها بر نظام آباد               |
| ۱۹  | از عشرت کده تا پادگان                  |
| ۲۹  | فصل دوم: از گورستان تا کارخانه         |
| ۳۱  | باغ مزار                               |
| ۳۴  | کارخانه بی نام و نشان                  |
| ۳۸  | فرا تراز محله                          |
| ۳۹  | هنرستان آوانی فلسطین                   |
| ۴۸  | سرای سالمندان یهودی                    |
| ۵۲  | دانشکده شهید شمسی پور                  |
| ۶۰  | هنرستان کارودانش باهنر                 |
| ۶۲  | شفابخانه ناخوش                         |
| ۶۴  | دانشکده علوم توان بخشی                 |
| ۶۷  | فدراسیون ورزش های ناشنوایان            |
| ۷۱  | فصل سوم: خیابانی به نام محله           |
| ۷۲  | راه نارمک                              |
| ۷۶  | خشت اول                                |
| ۹۱  | کلاغه به خونش نرسید                    |
| ۹۶  | وصله ناجور                             |
| ۱۰۰ | بر این سازه بردم بسی رنج ها            |
| ۱۰۷ | فصل چهارم: میدان در میانه مسجد و بازار |

|     |                                                                  |
|-----|------------------------------------------------------------------|
| ۱۰۸ | ..... میدان امام حسین (ع)                                        |
| ۱۱۵ | ..... سینماهای مخروبه                                            |
| ۱۱۹ | ..... بازار شهرستانی                                             |
| ۱۲۷ | ..... راه مازندران                                               |
| ۱۴۱ | ..... فصل پنجم: پایان مهمانی                                     |
| ۱۴۷ | ..... فصل ششم: مسجد و سنگر                                       |
| ۱۴۸ | ..... مسجد شریفیه                                                |
| ۱۵۱ | ..... مسجد صفا                                                   |
| ۱۵۵ | ..... مسجد امام حسین (ع)                                         |
| ۱۵۹ | ..... مسجد بنی فاطمه                                             |
| ۱۶۱ | ..... حسینیه سجادیه                                              |
| ۱۶۵ | ..... فصل هفتم: بچه محل                                          |
| ۱۶۶ | ..... رسم لوطی‌گری                                               |
| ۱۷۳ | ..... شور حسینی                                                  |
| ۱۷۷ | ..... ورزش و هنر                                                 |
| ۱۸۵ | ..... فصل هشتم: هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوای رود |
| ۱۹۰ | ..... امیر شرفی، نامی که هیچ از آن نماند                         |
| ۱۹۳ | ..... فصل نهم: دست یاری‌گر                                       |
| ۱۹۶ | ..... سرای محله نظام‌آباد                                        |
| ۱۹۹ | ..... مرکز پرتو                                                  |
| ۲۰۳ | ..... فصل دهم: ریشه‌هایی که خواهند رویید                         |
| ۲۰۷ | ..... منابع                                                      |

## سخن نخست

داستان آشنایی من با محله نظام آباد از یک قرار برای مصاحبه کاری شروع شد. از میدان هفت تیر سوار خطی های امام حسین (ع) شدم. راننده در دوربرگردانی که از روی یک زیرگذر می گذشت، ایستاد و گفت: «این هم میدان امام حسین (ع)». پیاده شدم و دوروبرم را نگاه کردم. احساس کردم گم شده ام، شاید هم میدانی که قرار بود شبیه میدان باشد گم شده بود. دنبال خیابان مدنی می گشتم. آن موقع نمی دانستم خیابان مدنی همان نظام آباد است. به یک باره خاطره ای از چند سال پیش در ذهنم زنده شد.

سال ۱۳۹۱ ه. ش اولین بار بود که تنها به تهران می آمدم. دوستم دانشجوی بود و خانه ای در تهران داشت. قرار بود دوازده روز مهمانش شوم تا با هم به بازدید از نمایشگاه کتاب برویم. مترو امام حسین (ع) قرار گذاشتیم که بیاید دنبالم. به هزار زحمت و پیرسان پیرسان خودم را به محل قرار رساندم. دوستم دم در ورودی مترو منتظرم بود. از میان شلوغی جمعیت گذشتیم و رسیدیم به جایی در وسط خیابان که خاک برداری شده بود و داشتند عملیات ساخت و ساز انجام می دادند.

«این جا میدان امام حسین (ع)».

با تعجب دوروبرم را نگاه کردم. میدانی در آن حوالی نمی دیدم.

«قرار است بین الحرمین را این جا شبیه سازی کنند».

وسط میدان؟!

«یک ضریح را می گذارند این جا و یکی را در میدان شهدا».

میدان را رد کرده و به خیابانی شلوغ رسیدیم. همه‌ای برپا بود. زنان و مردانی با سبدهای خرید که به هر مغازه می‌رسیدند نگاهی به اجناس می‌انداختند، قیمت می‌پرسیدند، یا داخل مغازه می‌شدند و جنس مورد نظرشان را بیشتر بررسی می‌کردند و یا راهشان را می‌گرفتند تا مغازه بعدی. فروشندگان تندتند اجناس را در ترازو وزن می‌کردند یا لای کاغذی پیچیده و به مشتری تحویل می‌دادند. شبیه بازارهای محلی بود که در روز مشخصی از هفته هرکس اجناس خود را می‌آورد و بساط می‌کند. در شهر خودم، تبریز، به این بازارها می‌گوییم «چهارشنبه بازار».

وسط میدان ایستاده بودم و سعی می‌کردم آدرس خانه دوستم را به یاد بیاورم. از عابری پرسیدم: این نزدیکی‌ها بازار محلی هست؟ گفت: «اون دست میدونه». به سمتی که نشان داده بود رفتم و بله همان بازار بود، همان خیابان. صبح زود بود و اگرچه همه مغازه‌ها پایین می‌خواستند گشتی در بازار بزنم که صدای زنگ موبایلم مرا از خاطراتم دور کرد. مدیر دفتر توسعه محله بود. غرق شدن در خاطره حضورم در این مکان باعث شده بود که حواسم به ساعت و قرار مصاحبه نباشد. سریع برگشتم به سمت میدان. از یک فروشنده مسیر رسیدن به خیابان مدنی را پرسیدم. با سرعت از وسط میدان رد شدم، نگاهم به مسجدی افتاد که در گوشه‌ای از میدان قرار گرفته بود و دیوارهایش در حال مرمت بود. دست فروش‌های دور میدان را که داشتند بساطشان را باز می‌کردند، رد کردم. خیابان خواجه نصیر را حدود صد قدم طی کردم و به تاکسی‌های خطی مدنی رسیدم. یک نفر از راننده‌ها که منتظر مسافر بود جلو آمد و پرسید: «چهارراه خانم؟»، گفتم: تا بعد از خیابان کهن می‌خوام برم. با تکان سر تأیید کرد که مسیر را درست آمده‌ام.

سوار شدم و راه افتادیم. چند صد متر بیشتر نرفته بودیم که ترافیک شد. با مدیر دفتر تماس گرفتم و گفتم: نزدیک هستم و اگر ترافیک را رد کنم تا چند دقیقه دیگر به دفتر خواهم رسید. راننده که صحبت من را شنیده بود گفت: «دخترم این جا همیشه این جوریه. به خاطر بیمارستانه، همیشه قفله. تازه غروب ترافیک

جلوی تیرازه هم بهش اضافه می‌شه». راننده درست می‌گفت. خیلی شلوغ بود. حالا سرعت بیشتری گرفته بودیم و من تمام حواسم به مصاحبه رفته بود. راننده که فهمیده بود من به محله آشنا نیستم، سرعتش را کم کرد و سمت چپ خیابان را به من نشان داد و گفت: «این هم مجتمع تیرازه. الان نگاه نکن خلوته، غروب ولوله‌ای می‌شه این جا». نمی‌دانم چرا دوست داشتم حتماً در این مصاحبه قبول شوم. گاهی یک خاطره یا یک حضور قبلی در یک مکان می‌تواند به انگیزه‌ای برای شروع کاری جدید تبدیل شود. مصاحبه انجام شد و من به خانه برگشتم. کل آن روز را استرس داشتم. روز بعد حوالی ظهر بود که مدیر دفتر تماس گرفت و گفت که می‌توانم از هفته بعد کارم را در دفتر شروع کنم. خبری بهتر از این؟! اولین کاری که به من سپرده شد جمع کردن اطلاعات برای تهیه یک کتاب بود: «کتاب محله نظام آباد». قرار بود این کتاب، تاریخچه محله را از زمان شکل‌گیری تا به امروز بیان کند و سندی باشد برای ثبت خاطرات و زندگی مردم محله. شروع خوبی بود برای آشنایی با محله.

شروع کار من در دفتر توسعه مصادف شد با اوج گیری بیماری کرونا. ویروسی که نه تنها ایران که تمام کشورهای دنیا را با چالشی بزرگ مواجه کرده است. گاه و بیگاه با اوج‌گیری بیماری، محدودیت‌هایی در رفت و آمد ایجاد می‌شد. از مدیر دفتر، آقای تقی‌زاده، خواستم با توجه به سابقه طولانی کار در محله، هر آن‌چه از محله می‌دانم را به من انتقال دهد تا بتوانم سریع‌تر کار را شروع کنم. شروع کرد از تاریخچه محله برایم گفتن و از زمانی که ساکنین اولیه نظام آباد پا به این محله گذاشتند، از پادگان عشرت آباد و نظامیان تا داستان بیمارستان امام حسین (ع). از محدوده محله گفت و این‌که مرز محله نظام آباد با آن‌چه روی نقشه‌های شهرداری کشیده شده است، فرق دارد. از مردم نظام آباد برایم گفت و از ویژگی‌های محله. منتظر ماندم تا «وضعیت قرمز» تهران تمام و محدودیت‌ها برداشته شوند. از فردای آن روز پا به محله گذاشتم تا داستان مردمانش را بشنوم و بنویسم.